فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۹۴
صفحات ۵ – ۲۴

دلایل مهاجرت نقبای حسینی نیشابور (بنوزباره) به بیهق و نقش آنان در تعمیق تشیع امامی

هوشنگ خسروبیگی[۱]
سپیده خسروانی[۲]

چکیـده

بیهق، نام قدیمی سبزوار و یکی از شهرهایی است که پـیش از اسـتقرار تشـیع در دوره صفوی به تشیع اشتهار داشته است. رواج تشیع در بیهق، مرهـون یـک دوره تـدارک از اواسط قرن دوم هجری است که نقطه عطف آن را باید به حضور امام رضا7 در خراسان و روشنگری‌های مؤثر عقیدتی و توحیدی ایشان دانست. یکی از مهم‌ترین مؤثران ایـن دوره تدارک، نقبا هستند که سرپرستی امور سادات و علویان را در هر شهری بـر عهـده داشتند.

نقابت علویان در نیشابور (کرسی خراسان) در اوایل عصر سـامانی بـه علویـان حسـینی (بنوزباره) محول شد. پژوهش حاضر به بررسی فعالیت‌های نقبـای آل‌زبـاره در نیشـابور، دلایل مهاجرت آنان به بیهق و نقش آنان در تعمیق تشیع امامی بیهق پرداخته است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد نحوه سیاست حکومت‌های شرق در مقابل نقبـای زباری که بیشتر تحت تأثیر اختلاف مذهبی و عقیدتی میان دو طرف بود، یکی از اولین دلایل مهاجرت خاندان زباره به بیهق بوده است.

نقبای حسینی زباره با مدیریت سیاسی ـ دینی و اجتماعی در پی تعهدات نقابتی خود، بـا بهره‌گیری از شرایط مساعد مذهبی و حمایت بی‌شائبه شیعیان امامی بیهق، توانستند بـا دعوت علمای شیعی و جذب سادات شیعی از اقصی نقاط جهان اسلام در اشاعه و رشـد اندیشه‌های شیعی بکوشند.

کلیدواژگان: بنی‌زباره، بیهق، تشیع، شیعه امامیه، نقیب.

---

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور kh-beagi@pnu.ac.irnhkadhv
۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه پیام نور mehr۹۵۳۳@gmail.dcom
دریافت: ۹۴/۲/۱۴ پذیرش: ۹۴/۵/۲۷

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

مقدمه

نقابت، عنوان نهادی سیاسی ـ دینی با کارکردهای اجتماعی است که یکی از مظاهر فرهنگی واداری سادات در هر شهر به شمار می‌رود و در حوزه تاریخ تشیع قابل ملاحظه است. از قرن سوم هجری، نقیب‌ها در شهرهای بزرگ و سپس سایر شهرها مستقر شدند. وجود نقیب ـ که اوضاع زندگی و امور معیشتی سادات را مدیریت می‌کرد ـ در واقع امتیازی بود که توسط خلفای عباسی به جوامع سادات داده می‌شد. ورود شیعیان به حوزه مدیریت سیاسی تحت مقام نقابت، توانایی و مدیریت آنان را بیش از پیش آشکار ساخت و این امر موجب شد خلفای عباسی و سلاطین ایرانی از وجود آنان در مناصب مختلف بهره گیرند. سیاست‌های خاص مذهبی نقبا در قالب اقدامات سیاسی ـ دینی و اجتماعی در سطح جامعه متبلور می‌شد. نمونه آشکار این فرایند، خاندان زباره از سادات حسینی نیشابور و بیهق هستند که پس از تصدی مقام نقابت به شکل موروثی، در تحقق سیاست‌های تبلیغی و ترویجی شیعیان کوشیدند و خط سیر رشد تشیع را در منطقه خراسان رونق بخشیدند. در دوره آل‌زباره در دهه‌های پایانی قرن چهارم هجری، نقابت علویان نیشابور از سوی امرای سامانی، از علویان حسینی بنی‌زباره به شاخهٔ دیگر سادات ـ یعنی خاندان یکی از احفاد امام حسن مجتبی7 موسوم به ابوجعفر داوود بن محمد الحسنی ـ انتقال داده شد (بیهقی، ۱۳۶۱ش: ۲۵۵). انتقال نقابت، سبب مهاجرت آل‌زباره از نیشابور به بیهق و سکونت در آن‌جا شد. پژوهش حاضر در پی آن است که نشان دهد چه دلایلی سبب شد آل‌زباره پس از برکناری از نقابت، بیهق را برای سکونت و هجرت انتخاب کردند و چگونه سادات حسینی پس از پذیرش مقام نقابت در بیهق، با مدیریت جامع خود، فضای مذهبی حاکم بر بیهق را به نفع شیعیان تغییر دادند و با توجه به اختیارات سیاسی ـ دینی و اجتماعی خود، مسیر تبلیغ و گسترش اندیشه‌های شیعی امامی را هموار ساختند. نتیجه امر در مهاجرت و اقبال علمای شیعه امامیه به بیهق به عنوان مرکز فعالیت نقبای بنی‌زباره و افزایش عددی شیعیان در شهر، قابل ملاحظه است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

۱. پیشینهٔ سکونت خاندان زباره در نیشابور تا زمان مهاجرت به بیهق

نیشابور،[1] محل مهاجرت تعدادی از علویانی بود که به گفتـه بیهقـی از طبرسـتان بـه آن‌جا مهاجرت کرده بودند. زمان مهاجرت در قرن سوم هجری در دوره طاهریان بـوده است (همو: ۲۵۴). در میان علویانی که داوطلبانه به نیشابور مهاجرت کردند، می‌توان از ابوجعفر احمد بن محمد زباره و ابوعبدالله حسین بن داوود بـن علـی اشـاره کـرد کـه ظاهراً هر دو شیعه زیدی بودند. علت مهاجرت، منازعه ابوجعفر احمد زبـاره بـا داعـی زیدی طبرستان، حسن بن زید حسنی ملقب به داعی کبیر بود که پس از بیعت شـیعیان طبرستان با وی، رقابتی میان داعی کبیر و ابوجعفر احمد به وجود آمد و سرانجام نیـای خاندان زباره، تصمیم بـه مهـاجرت و سـکونت در نیشـابور گرفـت (همـو،۱۴۱۰: ج۲، ۴۹۲). وی مورد حمایت امیر طاهری، عبدالله بن طاهر قرار گرفت. امیـر طـاهری بـرای اثبات حمایت خود، دختر برادرش را به همسری پسـر ابـوجعفر احمـد درآورد (همـو، ۱۳۶۱: ۲۵۴) و برای علویان مقبره‌ای را در کنار مدفن امرای طاهری اختصـاص داد کـه قبر سه تن را از خاندان زباره در آن‌جا قرار دارد و آن‌جا را «گورستان سادات» نامیده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۲۰-۲۲۳).

انتخاب نیشابور برای مهاجرت از سوی خاندان زبـاره، قابـل بررسـی اسـت. نسـب خویشاوندی آل‌زباره با طاهریان[2] سبب شد نیشابور محل امنی برای آنان باشد. افزون بر خویشاوندی، آنان از امتیاز مرکزیت نیشابور در دوره طاهریان و ویژگی‌هـای توسـعه‌ای شهر و ثروت سرشار که حاصل پیشرفت‌های اقتصادی، علمی و فرهنگـی در ایـن دوره بوده است، بهره‌مند شدند. بدین ترتیب با استقرار علویان زبـاری در نیشـابور و کسـب وجهه از امرای طاهری، در میـان مـردم محبوبیـت یافتـه و در سـال‌های بعـد، آنـان از صاحب‌نفوذان شهر به شمار آمده و زمینهٔ ترقی آنان برای کسب سرپرستی امور سـادات در نیشابور فراهم شد. فضای علمی و فرهنگی رو به رشد نیشـابور در رشـد افـرادی از

۱. شهری در غرب خراسان بزرگ و از جمله چهار شهری است که از میان شـهرهای خراسـان اهمیـت بیشتری دارد که هر یک را ربع می‌نامیدند که عبارت‌اند از نیشابور، بلخ، هرات و مرو... (حافظ ابـرو، ۱۳۷۰: ۲۳).

۲. مادر ابوجعفر احمد دختر طاهر بن حسین و خواهر عبدالله بن طاهر بود (بیهقی، ۱۳۶۱: ۵۵).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

این خاندان نقش داشت؛ زیرا از میان نقبای زباری، شخصیت‌های علمی مهمی ـ به‌ویژه در قرن چهارم ـ به ثمر رسیدند (ابن‌عنبه، ۱۳۸۰: ۳۱۸).

نقطه عطف سرگذشت خاندان زباره در نیشابور، تغییر مذهبشان از شیعه زیدی به شیعه امامی (اثنی‌عشری) بود که در کنار فعالیت‌های گسترده فرقه‌های دیگر شیعی و غیرشیعی مانند کرامیه و سنیان حنفی و شافعی در نیشابور قرن چهار (مقدسی، ۱۳۶۱: ج۲، ۴۶۱-۴۸۰؛ طوسی، ۱۳۷۸: ۲۸۲ به بعد)، نمونه‌هایی مانند ابوالحسین محمد بن زباره (ابن‌عنبه، ۱۳۸۰: ۳۱۸) یحیی بن محمد بن احمد و ابوعلی نقیب النقبا به صحنه اجتماع وارد شدند و رونق حوزه‌های درسی امامیه مدیون حضور چنین افرادی است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین عامل گرایش بنی‌زباره به تشیع امامیه، فعالیت هدفمند دانشمندان فرهیخته‌ای مانند فضل بن شاذان نیشابوری باشد. وی با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر خود در عرصه اجتماعی و در واکنش به تحولات عقیدتی و مذهبی زمان خود، تألیف کتاب و نیز مبارزه با اندیشه‌هایی مثل کرامیه، قرامطه و خوارج (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۰۶ - ۳۰۷)، گامی مؤثر برای تبلیغ اندیشه‌های شیعی امامی برداشت. آثار فضل توسط شاگردش علی بن قتیبه در کلاس درس تعلیم داده شد و نقبای سرشناسی از خاندان زباره مانند ابوعلی محمد بن احمد ـ که دوران نقابت وی عرصهٔ فعالیت‌های علمی و دینی بود ـ ابوالحسین محمد برادر ابوعلی ـ که راوی احادیث امام رضا7 بود ـ و ابو محمد یحیی ـ که فقیه عالم متکلم بوده و آثاری درباره امامت دارد ـ در کلاس درس وی شرکت کرده و از او کسب علمی نمودند (بیهقی، ۱۴۱۰: ج۲، ۲۹۴-۴۶۹؛ سمعانی، ۱۳۸۲: ج۶، ۲۴۸ - ۲۴۹؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۴۳؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۶۴). از زمان حضور خاندان زباره در نیشابور تا مهاجرتشان به بیهق، سه تن از آنان به مقام نقابت رسیدند. ابن‌فندق که دو کتابش ـ *تاریخ بیهق* و *لباب الانساب* ـ را درباره این خاندان نوشته است، در ترتیب نقبای زباری قدری متفاوت بیان کرده است. وی در حالی که ابوعلی محمد را در *لباب الانساب* اولین نقیب زباری دانسته که در سال ۳۶۰ درگذشته است (همو: ج۲، ۴۹۳-۴۹۴)، در *تاریخ بیهق* ابومحمد یحیی را اولین نقیب به شمار آورده و پس از وی، پسرش ابوالحسین محمد را صاحب‌الارزاق و نقیب دانسته است (همو: ۵۵-۵۶-۲۵۵-۲۵۶). البته به نظر می‌رسد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

قول اول در *لباب الانساب* صحیح باشد؛ زیرا سال مرگ ابوعلی محمد، جلوتر از ابومحمد یحیی است.

عملکرد متفاوت نقبای زباری در نیشابور بسیار قابل تأمل است. در حالی که دوران نقابت ابوعلی محمد در راستای اهداف سیاسی حکام سامانی است و بیشتر به فعالیت‌های دینی و مذهبی پرداخته است، دوران نقابت ابوالحسین محمد و ابومحمد یحیی در مخالفت با اهداف سیاسی ـ مذهبی حکام سنی مذهب سامانی است. ابوالحسین محمد در نابسامانی‌ها و درگیری‌های سیاسی در نیشابور میان سران قدرت قبل از حکومت سامانی (برای اطلاعات بیشتر، نک: زرین‌کوب، ۱۳۶۷: ج۲، ۱۰۸ به بعد)، در نیشابور ادعای خلافت کرد و مردم بسیاری با وی بیعت کردند (بیهقی، ۱۴۱۰: ۲۵۴). آن‌گاه به مدت چهار ماه به نام او خطبه خوانده شد و لقب «عاضد بالله» را به وی دادند (ابن‌طباطبا، ۱۳۷۲: ۴۱۹، پاورقی؛ بیهقی، ۱۴۱۰). به گفته سمعانی بسیاری از علما و بزرگان و لشکریان و عموم مردم نیشابور از وی استقبال کرده و با وی به امامت بیعت کردند (بیهقی، ۱۴۱۰: ج۶، ۲۴۹). با وجود آن‌که قرائتی از منابع تاریخی دال بر انگیزه‌ها و نیات ابوالحسین محمد برای ادعای خلافتش و مخالفت در برابر خلیفه عباسی به دست نیامد، این پرسش جای تأمل دارد که آیا نقیب زباری مانند دیگر فعالان سیاسی و مذهبی نیشابور که با هدف بهره‌برداری از امکانات توسعه‌ای نیشابور، شهر را محلی برای رقابت و کشمکش قرار دادند (طبری، ۱۳۸۶: ج۹، ۵۰۷-۵۱۲؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۱۲؛ طوسی، ۱۳۷۸: ۱۹-۲۰، ۲۹۷) نیز همین نیت را دنبال می‌کرد؟ به هر حال برای نیشابور این‌گونه تحرکات، بر نفوذ اجتماعی شخصیت‌های دینی دلالت دارد که می‌توانستند برای جنبش‌های آینده مؤثر باشند. ادعای خلافت ابوالحسین محمد که نشان از مخالفت با خلیفه عباسی که نماد تسنن بود، مدت زیادی به طول نینجامید؛ زیرا برادرش ابوعلی محمد که با انتصاب امیر اسماعیل سامانی نقیب نیشابور شده بود، زمینه دستگیری‌اش را فراهم کرد و وی را به سپاه نصر بن احمد سامانی سپرد (بیهقی، ۱۴۱۰: ۲۵۴). همراهی نکردن ابوعلی نقیب با برادرش ابوالحسین می‌توانست ناشی از وظیفه نقابتی وی مبنی بر جلوگیری از افراط‌گرایی علویان و حفظ شئونات سادات در جامعهٔ اسلامی باشد. دوران نقابت ابوعلی محمد، محدود به فعالیت‌های علمی و فرهنگی بود

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

و کمتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشت. خط مشی مدبرانه امیر اسماعیل سامانی درباره علویان و سنیان که از یک طرف با محدثان و فقهای اهل تسنن رابطـه حسـنه‌ای برقرار کرد (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۱، ۱۰۸-۱۰۹، ۱۲۷، ۲۶۱) و از طـرف دیگـر، سرپرسـتی امور علویان را به ابوعلی محمـد زبـاری محـول نمـود (بیهقـی،۱۴۱۰: ج۲، ۴۹۳-۴۹۴؛ سمعانی، ۱۳۸۲: ج۶، ۲۴۶) سبب شد محیطی نسبتاً آرام به لحاظ مذهبی برای دو طرف پدید آید.

ابوعلی محمد، همواره بر اساس وظیفه نقابتی خود تحت امر حاکم سامانی بود و بـا وجود بروز درگیری‌هـای سیاسـی میـان جانشـینان امیـر اسـماعیل و سـران نظـامی‌اش (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ج۱۹، ۱۳۹؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۳۴؛ زرین‌کـوب، ۱۳۶۷: ج۲، ۱۹۳-۱۹۷) و همچنین فعالیت فرقه‌هایی چون کرامیـه، زیدیـه و اسـماعیلیه (طوسـی، ۱۴۱۷: ۱۲۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۷۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: فهرست اعلام، ذیل کرامی)، غیـر از اقـدامش برای دستگیری برادرش ابوالحسین محمد، اقدام سیاسی دیگری ازاو به دسـت نیامـد و بیشتر به فعالیت‌های علمی توجه داشت. خانهٔ او، محل تجمـع وزرا و بزرگـان، ائمـه و قضات شهر و محل بحث و مناظره علمی بود (بیهقـی، ۱۳۶۱: ۵۶). بنوزبـاره در دوران نقابت ابوعلی محمد به حدی از نفوذ و قدرتمندی رسیده بود که پـس از مـرگ وی در سال (۳۶۰ق) نقابت از طرف امیرمنصور بن نوح (حک ۳۵۰-۳۶۵ق) به ابومحمد یحیی زباری واگذار شد. ابومحمد یحیی پس از شرکت در کلاس‌های درس و مناظرات علمی عمویش، تغییر مذهب داد که در منابع شیعه امامیه از وی نام برده شده اسـت (طوسـی، ۱۴۱۷: ۲۶۴؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۴۳).

عنوانی همچون «السیدالاجل نقیب النقبا شیخ العتره» برای ابومحمـد یحیـی (بیهقـی، ۱۴۱۰: ج۲، ۴۹۷) نشان از عظمت دارد. ابومحمـد یحیـی پـس از انتصـاب بـه منصـب نقابت، شیوه‌ای کاملاً متفاوت از عمویش را در پیش گرفت و خط مشـی وی، ایسـتادن در مقابل امیر سامانی (نوح بن منصور) و پیـروی نکـردن از وی بـوده اسـت. بـه نظـر می‌رسد مقدمهٔ این ناسازگاری، اختلاف مذهبی میان نقیب زباری و حاکم سامانی باشد. با حمایت امیر سامانی از فعالیت دعات اسـماعیلیه در خراسـان و نیشـابور، و برقـراری ارتباط با خلیفهٔ فاطمی و پذیرش نماینده وی، زمینه سازگاری بـا نقیـب زبـاری فـراهم

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

شد. امامی شدن ابومحمد یحیی و ارتباطش با وزیر شیعی آل بویه (صاحب بن عباد) ـ که دشمن سرسخت سامانیان به شمار می‌آمد و متأثر از فعالیت‌های سیاسی نقیب علیه امیر نوح بود (همو: ۴۹۶-۵۰۲) ـ مزید بر علت شد که ابومحمد یحیی نقیب، کارنامهٔ نقابتی متفاوتی از اخلافش داشته باشد.

خلیفه فاطمی، با برقراری ارتباط با امیر سامانی، نماینده خود را به بخارا فرستاد. فرستاده «العزیز» در راه بازگشت درصدد نابودی ابومحمد یحیی برآمد. سید (نقیب زباری) اجازه کار به وی نداد و موجبات قتلش را فراهم کرد (همو). امیر سامانی پس از احضار نقیب به بخارا درصدد تنبیه وی بر آمد، اما سید در راه بخارا از دست مأموران گریخت و در نیشابور به اقدامات خود علیه امیر نوح ادامه داد. عدم انفعال نقیب زباری در مقابل حرکت‌های مذهبی انحرافی و مقابله با مدعیان دروغین به سادات ـ که تحت امر وظایف نقابتی وی بود ـ سبب شد منافع دولت سامانی در حمایت از اسماعیلیان به خطر بیفتد و امیر سامانی، راه چاره را در کنار گذاردن علویان زباری از قدرت دانست (همو، ۱۳۶۱: ۵۵-۵۶) واکنش ابومحمد یحیی نقیب در رویارویی با نماینده خلیفه فاطمی، دور از وظیفه نقابتی او نیست؛ زیرا درباره سیادت خلفای فاطمی تردید وجود داشت (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۹: ۵۹).

ناهمخوانی اهداف سیاسی ـ مذهبی امرای سامانی با وظایف مذهبی و دینی نقبای زباری موجب شد حاکم سامانی در اقدامی عجولانه تصمیم به انتقال نقابت از علویان حسینی بنی‌زباره به شاخهٔ دیگری از علویان حسنی نیشابور گیرد که بر اساس آن، نقابت در خاندان ابوجعفر داوود بن محمد موروثی شد (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۱؛ بیهقی، ۱۴۱۰: ج۲، ۶۰۲-۶۰۳). با حکومت محمود غزنوی علویان زباره به جایگاه نخستین خود بازنگشتند و حتی سلطان محمود در اقدامی خصمانه با سپردن ریاست شهر نیشابور به فقیهی از کرامیه، انگیزه بنی‌زباره را در هجرت به بیهق بیشتر کرد. فقهای کرامیه با علویان زباری و دیگر شیعیان رابطهٔ خصمانه داشتند (مقدسی، ۱۳۶۱: ج۲، ۴۷۴). با تولیت علویان حسنی بر منصب نقابت، در زمان سلطان مسعود غزنوی یکی از فرزندان نقیب برکنار شدهٔ زباری به نام ابوجعفر محمد به بیهق مهاجرت کرد و در سبزوار ساکن شد. بیهق، ولایتی در غرب نیشابور و از توابع آن است که مهم‌ترین

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

آبادی‌های آن سبزوار وخسروجرد به شمار می‌رود. مرکز آن در آغاز، خسروجرد و پس از آن سبزوار شد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ج۱، ۵۳۸). مهاجرت وی سرآغاز مهاجرت علویان حسینی از نیشابور بود (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۵۵).

۲. علل مهاجرت به بیهق

۲-۱. حمایت و استقبال همه‌جانبه مردم بیهق از مهاجرت علویان حسینی

از مهم‌ترین عوامل تمایل علویان حسینی در مهاجرت به بیهق، استقبال مردم شهر از آنان و حمایت بی‌شائبه آنان بوده است. دلایل متعددی برای استقبال بیهقی‌ها مطرح است که از مهم‌ترین آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تمایل مردم بیهق برای تداوم حکومت سامانی و نارضایتی از سیاست‌های منطقه‌ای غزنویان سبب شد بیهقی‌ها، واکنش شدیدتری نسبت به سیاست‌های حکومتی غزنویان داشته باشند و از حرکت‌های شیعی حمایت کنند. منازعه و رقابت طولانی میان اهالی سبزوار و خسروجرد و پس از آن سبزوار و نیشابور (کرسی خراسان) بر سر انتقال کرسی منطقه بیهق از سبزوار به خسروجرد ـ که بر اثر سیاست‌های محمود غزنوی به بهانه عدم تمرکز قدرت در بیهق صورت گرفت ـ مردم بیهق را نسبت به غزنویان سخت‌گیرتر کرد. علویان زباری پس از مهاجرت به بیهق، رهبری ساکنان سبزوار را در منازعه‌شان با اهالی خسروجرد بر عهده داشتند (همو: ۵۶، ۵۸، ۱۹۴، ۲۹۶). افزون بر آن، انتقال نقابت علویان حسینی بنی‌زباره به علویان حسنی در دوره سامانیان ـ که تا دوره محمود غزنوی ادامه داشت و با منافع حکومت غزنوی سازگارتر بود (همو: ۲۵۴–۲۵۵؛ همو، ۱۴۱۰: ج۲، ۷۱۳) ـ نارضایتی مردم به‌ویژه شیعیان را به همراه داشت که اهالی سبزوار از علویان حسینی حمایت کردند (همو، ۱۳۶۱: ۹، ۸۴، ۱۷۹، ۱۸۳، ۲۰۷). نقطه عطف دوران نقابت علویان حسینی بنی‌زباره، دوران ابومحمد یحیی نقیب با امیر نوح سامانی است که حاصل آن روی کار آمدن علویان حسنی سنی‌مذهب و برکناری خاندان زباری از قدرت و تصمیم آنان برای مهاجرت و پیدا کردن پناهگاهی دیگر بود. این اختلاف مذهبی و عقیدتی میان حاکم سامانی و نقیب زباری که به سیاست‌های رفتاری متفاوت میان دو طرف انجامید، می‌تواند یکی از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

مهم‌ترین دلایل ناسازگاری طرفین و مهاجرت آل‌زباره به بیهق باشد. انتقال نقابت و برکناری آل‌زباره از قدرت، برای این خاندان سخت بود. افزون بر آن، فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر نیشابور در دوران نقابت ابومحمد یحیی به نفع آل‌زباره نبود و بر خلاف مشارکت چشمگیر مردم در اقدام سیاسی ابوالحسین محمد (همو: ج۲، ۴۹۵–۴۹۶) گزارشی از مشارکت مردم نیشابور در پی منازعات سیاسی ابومحمد یحیی با امیر سامانی به دست نیامد. تصمیم مهاجرت به بیهق پس از این واقعه شاهدی بر این مدعاست که حمایت و واکنشی از طرف مردم نیشابور برای این انتقال نبوده است (همو، ۱۳۶۱: ۵۴ به بعد). با توجه به ساختار اجتماعی ـ اقتصادی نیشابور و رهبری دینی اهل تسنن، بی‌تردید تداوم آرامش با نقیب حسنی پیرو مذهب عامه، مهم بود. سکوت منابع درباره میزان حمایت شیعیان نیشابور از اقدام سیاسی ـ مذهبی ابومحمد یحیی جالب توجه است. او در اواخر عمرش در منطقه جرجان در قلمرو تحت حمایت آل بویه زندگی کرد و در آن‌جا وفات یافت (سمعانی، ۱۳۸۲: ج۶، ۲۵۰). ابوجعفر محمد ـ که از اولین مهاجران به بیهق بود ـ پس از سکونت در سبزوار مورد احترام سلطان مسعود غزنوی قرار گرفت و نقابت علویان در طوس به وی سپرده شد (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۵۵). ابوجعفر محمد ـ نقیب طوس ـ پس از ازدواج با دختر ابوالفضل بن محمد طبرسی، راه را برای ارتباط این خاندان شیعی با بیهق هموار کرد (همو). اسکان آل‌زباره در بیهق، افزون بر گسترش تشیع امامی در منطقه به سبب فعالیت‌های مذهبی، تأثیرات متعددی در تحولات آینده شهرداشت.

۲. مهاجرت عالمان شیعه به منطقه بیهق ـ که متأثر از سخت‌گیری‌های حاکمان خراسان بود ـ تمایل بیهقی‌ها را به حمایت از اندیشه‌های شیعی بیشتر کرد. از جمله عالمان شیعه، علی بن عبدالله بن احمد نیشابوری مشهور به ابن‌ابی‌طیب است که در اواخر قرن چهارم هجری به بیهق نقل مکان کرد. ساخت مدرسه‌ای برای علویان در همین زمان و انتخاب علی بن عبدالله برای تدریس در آن‌جا (همو: ۱۸۴–۱۹۵) نشانه استقبال اهالی شهر از علویان بود. ناسازگاری حکومت غزنه با شیعیان در توبیخ و تنبیه عالم شیعی، موجب شد ابن‌ابی‌طیب به سبزوار مهاجرت کند (همو).

۳. حضور شیعیان در سبزوار عامل دیگری بود که آل‌زباره را به مهاجرت راغب‌تر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

کرد؛ زیرا بر اثر اختلافی که میان علویان حسینی با علویان حسنی در نیشابور رخ داد، اهالی سبزوار از علویان حسینی حمایت کردند (همو: ۹-۸۴-۱۷۹-۱۸۳-۲۰۷) که این امر نشان از حضور پر قدرت شیعیان در منطقه است. بر اساس گزارش منابع سبزوار و بیهق در قرن پنجم و ششم از مراکز تشیع به شمار می‌آمد (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۲۰۲-۴۵۳) و تبعاً بنی‌زباره منطقه‌ای را برای مهاجرت انتخاب می‌کرد که جمعیت شیعی داشته باشد تا مورد حمایت واقع شود.

۲-۲. شرایط مساعد اقتصادی و جغرافیایی و علمی

شرایط مناسب اقتصادی و جغرافیایی منطقه بیهق ـ که ظاهراً شرایطی شبیه نیشابور داشته است ـ عاملی در جذب علویان بوده است. پرآبی و وجود کاریزهای پرآب و واقع شدن سبزوار بر ملتقای دو شاهراه غربی ـ شرقی (شاهراه خراسان ـ ری ـ عراق) و شمالی جنوبی (جاده ولایات جنوبی ـ جرجان) و اهمیت سوق‌الجیشی و رونق تجاری از مهم‌ترین ویژگی‌های شهر به شمار می‌آمد (همو: ۳۵-۲۷۷). حضور علمای مهم که در انواع علوم صاحب تبحر بودند، نشان از رونق علمی بوده است.

۲-۳. حضور سادات در بیهق و نفوذ و رونق تشیع

از مهم‌ترین دلایلی که سبب شد بنی‌زباره، بیهق را برای سکونت انتخاب کنند، سابقه درخشان رونق تشیع در آن شهر بود. نفوذ تشیع در بیهق مرهون عواملی متعدد بود که از مهم‌ترین آن می‌توان به ارتباط مردم بیهق با ائمه: (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۳۲-۲۳۳؛ بیهقی، ۱۳۶۱: ۵۵)، حضور برخی از صحابه مشهور مانند خاندان قنبر (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۳۰۳؛ بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۵)، حضور یحیی بن زید در سبزوار (کرسی وقت بیهق) در قرن دوم هجری و حمایت و همراهی تعدادی از اهالی باوی (طبری، ۱۳۸۷: ج۷، ۲۲۸-۲۳۰) که نخستین نشانهٔ نارضایتی مردم منطقه از امویان و گرایش ایشان به تشیع بوده است و یاد و خاطره وی پیام عدالت‌خواهی تشیع را در منطقه طنین‌انداز می‌کرد و همچنین حضور سادات (بیهقی، ۱۳۶۱: ۵۴-۵۶) و رونق نهاد نقابت اشاره کرد. سابقه حمایت بیهقی‌ها از شیعیان امامی و رواج تشیع در این شهر(همو: ۸۴-۱۷۹-۱۸۲-۱۸۳-۲۱۷) فضای مذهبی و دینی بیهق را برای پذیرش علویان حسینی مساعدتر کرد. علویان حسینی نیشابور پس از مهاجرت به بیهق دوباره به مقام نقابت رسیدند و این امر سبب

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

شد خیل کثیری از سادات به دنبال آنان به بیهق مهاجرت کرده و در آن‌جا ساکن شدند و فرزندان ایشان سال‌های طولانی در این شهر ماندند (همو: ۵۴-۵۶).

کثرت سادات در بیهق سبب شد ابن‌فندق، فصلی از کتاب *تاریخ بیهق* را به سادات بیهق اختصاص دهد. حضور سادات در هر منطقه‌ای می‌توانست عامل رشد و گسترش تشیع باشد؛ به خصوص با برپایی نهاد نقابت توسط خلفای عباسی، نقیب به عنوان رئیس امور علویان در هر شهری با درجه اجتهاد که صاحب نفوذ و قدرت در جامعه سادات و شیعیان بود، می‌توانست افزون بر وظیفهٔ نقابتی خود در حفظ شئونات زندگی سادات در امور مادی و معنوی (اتابک جوینی، ۱۳۸۴: ۶۳-۶۴) در گرایش‌های مذهبی آنان اثر بگذارد و رهبری سیاسی و اجتماعی مردم را بر عهده گیرد. جذب علمای شیعه و شیعیان ناراضی از اقصا نقاط جهان اسلام به‌ویژه نیشابور (بیهقی، ۱۳۶۱: ۶۴-۶۰)، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های اثرگذاری نقبای زباری بود که بر افزایش عددی شیعیان اثنی‌عشری در بیهق بیفزایند. شاهد این مدعا سندی مهم از یاقوت حموی است. وی که نویسنده‌ای سنی‌مذهب در قرن هفتم هجری است، به رافضی (شیعه بودن) مردم منطقه بیهق اشاره کرده و چنین گزارش نموده است:

> از بیهق، علما و فقها و ادبای بی‌شماری برخاسته‌اند؛ با این حال غالب مذهب مردم این منطقه، غالیان رافضی هستند. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ج ۱، ۵۳۸)

۳. آثار حضور نقبا در بیهق در راستای تعمیق فرهنگ تشیع امامی

۳-۱. مشارکت در سیاست با رهبری سیاسی علویان در درگیری‌های فرقه‌ای و مقابله با نیروی متخاصم غزان در سبزوار

مشارکت در امور سیاسی و اثرگذاری در حکومت، از جمله تعهدات بی‌نظیر نقبای مورد نظر حاکم و خلفا بود. در واقع مشارکت سیاسی تلاشی بود که برای کسب قدرت و اعمال نفوذ برای اثرگذاری بر امورمادی و معنوی سادات تحت نقابت شکل می‌گرفت و هدایت جامعه سادات مستقر در بیهق یکی از مهم‌ترین نقش‌های سیاسی نقبای بنی‌زباره به شمار می‌رفت. در بیهق بر خلاف نیشابور که فضای سیاسی و اجتماعی شهر به نفع نقبای زباری نبود (بیهقی، ۱۳۶۱: ۵۴ به بعد)، با تسامح مذهبی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

حکام سلجوقی مشارکت سیاسی نقبا در رویارویی با دشمنان داخلی و خارجی بیشتر شد. با سیاست‌های رفتاری سلاطین سلجوقی پس از ملک‌شاه و مرگ خواجه نظام‌الملک، برای شیعیان امامیه به‌ویژه در بیهق، گشایشی فراهم شد و آل‌زباره با وجود نقابت در بیهق، زیر نظر علویان حسنی نیشابور بودند و استقلال کامل نداشتند (همو: ۵۸-۵۷؛ صیرفینی، ۱۴۱۴: ۵۳۴-۵۳۵). البته احترام و اکرام به نقبای خاندان زباره و ارج نهادن به جایگاه ویژه آنان در دوره غزنوی و سلجوقی، همواره برقرار بوده است (بیهقی، ۱۳۶۱: ۵۴-۵۷). حضور پیروان شیعه در سبزوار و حمایت آنان از خاندان زباره در جریان انتقال نقابت به علویان حسنی نیشابور، نارضایتی دو جناح از سیاست‌های مذهبی غزنویان و مقابله با آنان به عنوان هدف مشترک دو طرف (همو: ۵۶، ۵۸، ۸۴، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۹۴، ۲۰۷) و علاقه‌مندی آل‌زباره به مرکز تشیع (قزوینی رازی، ۱۳۸۵: ۲۰۲، ۴۵۳، ۴۵۴) از جمله محورهای همگرایی بیهقی‌ها و آل‌زباره به شمار می‌آمد. فزونی اعتبار آل‌زباره در بیهق و کرسی آن (سبزوار) با رهبری سیاسی در درگیری‌های فرقه‌ای و مقابله با دشمنان خارجی که در سایه تعهدات نقیب مطرح بود، بهتر نمایان است. درگیری‌های فرقه‌ای در سبزوار و بیهق در پی سیاست‌گذاری‌های سلجوقیان پس از چیرگی بر خراسان شکل گرفت، بیهق را با تغییرات جدیدی روبه‌رو کرد. مهم‌ترین عامل شروع نزاع‌های محلی، رواج مذهب شافعی توسط خواجه نظام‌الملک و ساخت مدرسه‌ای برای شافعی‌مذهبان در بیهق بوده است (برای اطلاعات بیشتر، نک: مرتضی دانشیار، ۱۳۹۰). نقش علویان زباری، زمانی آشکار می‌شود که سلطان سنجر سلجوقی برای آرام کردن اوضاع سعی کرد با حضور نقیب زباری و گماشتن وی بر منصب مستوفی‌گری در بیهق، شرایط را به وجه مطلوب برگرداند (همو). رهبری نقبای زباری در رویارویی مردم نیشابور با مؤید آی إبه ـ حاکم نیشابور ـ و همچنین رهبری سیاسی آنان در مقابله با غزان (جزری، ۱۳۷۱: ج۲۵، ۳۰؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ج۴، ۱۴۱-۱۴۲) نمونه‌هایی قابل ملاحظه در مشارکت سیاسی نقبا به شمار می‌رود. اتحاد و همبستگی سیاسی و اجتماعی میان نقبای زباری و مردم بیهق، حاصل فزونی اعتبار نقبای زباری در بیهق و اطمینان مردم به آنان است.

۳-۲. مشارکت عقیدتی ـ دینی نقبای زباری در بیهق با

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

برپایی محافل درس و مراوده با علمای شیعی

محبوبیت، اقتدار و نفوذ خاندان زباری در نیشابور و بیهق، حاصل تربیت‌یافتگی در مکتب اهل‌بیت و شاگردی در کلاس درس شاگردان اهل‌بیت بوده است. علاقه‌مندی نقبای زباری به فراگیری علم و روشنفکری، آنان را به تحصیل علوم اسلامی ترغیب کرد و نخستین جرقه‌های گرایش به تشیع امامی، آشنایی با آثار فضل بن شاذان نیشابوری بود (بیهقی، ۱۴۱۰: ج۲، ۴۹۴). فضل بن شازان که از یاران نزدیک چهار امام (امام رضا تا امام حسن عسکری:) بود با فعالیت‌های تبلیغی و روشنگری‌های دینی خود در مقابله با فرقه‌های انحرافی، توجه حاکم طاهری را به خود جلب کرد و با کینه حاکم طاهری به انتساب شیعه‌گری از نیشابور تبعید شد و در سال ۲۶۰ هجری درگذشت (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۰۶-۳۰۷). نکته قابل تأمل این است که تأیید آثار علمی و فلسفی ـ دینی فضل بن شاذان در تغییر مذهب نقبای بنی‌زباره کاملاً مشهود است؛ زیرا همراهی ابوالحسین محمد بن احمد زباری نقیب با علی بن قتیبه (شاگرد فضل بن شاذان) که از بزرگان شیعه در نیشابور بوده و اندیشه‌های استادش را در شهر روایت می‌کرد (بیهقی، ۱۴۱۰: ج۲، ۴۹۶؛ سمعانی، ۱۳۸۲: ج۶، ۲۴۹) سبب شد خاندان زباره با آثار فضل و در واقع اندیشه‌های شیعه امامیه آشنا شوند. ابوعلی محمد نقیب، بر خلاف برادرش ابوالحسین که فرصتی کوتاه برای ترویج اندیشه‌های شیعی داشت، به مسائل و حوادث سیاسی نپرداخت و فعالیت‌های وی در عرصه‌های دینی و مذهبی روندی رو به رشد داشت. اثربخشی اقدامات تبلیغی ابوعلی محمد در نسل‌های بعدی خاندان زباری مشهود است (بیهقی، ۱۴۱۰: ج۲، ۴۹۶-۴۹۷). برپایی مجالس مناظره میان طیف‌های مختلف مذهبی، توسط نقیب زباری یکی از شیوه‌های ترویج عقاید شیعی به شمار می‌آمد (ابن‌طباطبا، ۱۳۷۲: ۴۱۸-۴۱۹؛ بیهقی، ۱۳۶۱: ۵۶). با اشتغال بنی‌زباره در عرصه علم، برادرزادگان ابوعلی محمد (ابومحمد یحیی و ابومنصور ظفر) در کلاس درس وی حاضر شده و با آثار فضل بن شاذان آشنا شدند (همو، ۱۴۱۰: ج۲، ۴۹۴). حاکم نیشابوری از این دو برادر در طبقه ششم علمای نیشابور و مشایخ نام برده است (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۶۴-۱۹۱). ابومحمد یحیی نقیب با تألیف کتاب ـ به‌ویژه درباره امامت ـ گام‌هایی مؤثر در ترویج فرهنگ شیعه برداشت (طوسی، ۱۳۷۸: ۲۶۴؛ نجاشی،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

۱۴۱۶: ۴۴۳). نهضتی که خانـدان زبـاره بـرای گسـترش اندیشـه‌های شـیعی امـامی در نیشابور و با منصب نقابت تأسیس کرده بودند، در بیهق به روند خود ادامه داد.

بنی‌زباره در بیهق، با حمایت از مهاجرت علمای شـیعی و دعـوت از آنـان، تأسـیس مدرسه و جذب سادات شیعی، حمایـت از تـألیف کتـاب و حمایـت از علم‌پـروری و علم‌دوستی توانستند برای اشاعهٔ اندیشه‌های شیعی امامیه، عرصه‌ای وسیع‌تر پیدا کنند.

۳-۳. حمایت از علمای مهاجر شیعی و جذب سادات و علویان از شهرهای اسلامی

بسترسازی مناسب آل‌زباره برای فعالیت‌هـای تبلیغـی و نشـر اندیشـه‌های شـیعی در بیهق، با روشی متفاوت از نیشابور صورت گرفت. در حالی که در نیشابور، نقبای زباری با فراهم کردن شرایط مناسب برای برپایی کلاس درس و مکـان علمـی مناسـب بـرای مناظره، تألیف کتاب و فراگیری مبانی اصلی اندیشه‌های شیعی از طریـق آثـار شـاگردان اهل‌بیت و روایت حدیث (بیهقی، ۱۳۶۱: ج۲، ۴۹۲ به بعد) در پی تعهدات مذهبی خود بودند، در بیهق با هدف وسعت بخشیدن به کار و دوراندیشی عمیق در تـرویج عقایـد، تصمیم گرفتند از خاندان‌های امامی دیگری غیر از اعضای خاندان خود برای کار ترویج استفاده کنند. ازدواج، مهم‌ترین رابطه حسنه‌ای بـود کـه ابـوجعفر محمـد زبـاری بـرای رسیدن به اهداف متعالی‌اش در بیهق انجام داد. او از طریق ازدواج با دختر ابوالفضل بن محمد طبرسی ـ از خاندان‌های مشهور امامی ـ موجب ارتباط خاندان یاشده با بیهق شد (همو: ۲۵۵). این کار بی‌ارتباط با وظیفه نقابتی ابوجعفر نبود؛ زیرا نظـارت بـر عقایـد و مرام و مذهب سادات و علویان تحت نقابت، یکی از وظایف نقیب به شمار می‌رفت که آنان با حفظ حرمت و شئون شرافت خود، مذهب و عقاید درست را بپذیرند و نقیب به عنوان امور علویان بر عملکرد آنان نظارت داشته باشد (قلقشـندی، ۱۹۱۹: ج۱۰، ۲۴۷–۲۵۳). این وصلت نشان از تفکرات شیعی نقیب دارد و رونق و رشد اندیشه‌های شـیعی مرهون این خویشاوندی است. تمایل مردم بیهق به مهاجرت علویان زبـاری و حمایـت بی‌شائبه از آنان و ساخت مدرسه‌ای خاص بـرای شـیعیان در محلـه اسـفریس در کنـار دیگر فرقه‌های مذهبی به‌ویژه شافعیان توسط خواجه ابوالقاسم بن علی (بیهقـی، ۱۳۶۱: ۱۹۴ – ۱۹۵، ۲۳۶) مزیـد بـر علـت شـد کـه خانـدان زبـاری بـا امیـد بیشـتری بـه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

سیاست‌گذاری و مصلحت‌اندیشی دینی بپردازند.

خاندان زباره که از طریق پیوند با بزرگان بیهق مانند عبدالله محمد بن یحیی ـ که از رؤسای ناحیه بیهق به شمار می‌رفت ـ شهرت و اعتبار خود را تثبیت کرده بودند. در عهد سلاجقه به سبب این اعتبار، علاوه بر رهبری اهالی سبزوار در منازعات محلی (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ج۴، ۱۳۳)، صحنه را برای فعالیت علمایی چون ابوعلی فضل بن حسن طبرسی فراهم کردند. این عالم شهیر امامیه، پس از دعوت خاندان زباری از سناباد توس به سبزوار آمد و به تدریس و تألیف پرداخت که حضور وی، به نوبهٔ خود موجب جذب طالبان علم شیعی به بیهق شد (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۴۲). ابوعلی فضل بن حسن، صاحب تفسیر معروف *مجمع البیان* ـ که از فارسی‌نویسان شیعی قرن ششم است (جعفریان، ۱۳۸۸: ۵۱۹) ـ از نزدیکان خاندان زباره بود. او در سال ۵۲۳ هجری به بیهق (سبزوار) مهاجرت کرد و رئیس حوزه علمیه آن‌جا (مدرسه باب العراق) شد (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۴۲). به هر حال، ابوعلی به عنوان مرجعیت شیعه می‌توانست افزون بر مرجعیت شیعه امامی در سبزوار، با رونق حوزه علمیه و مدیریت بر آن‌جا به تربیت شاگرد بپردازد و محافل درس را به بیهق رونق ببخشد.

بیهقی، با ذکر مدرسه مخصوص شیعیان برای فعالیت ابوعلی طبرسی از شاگردان وی نام نبرده است؛ اما از تخصص عالم در جبر و علوم حساب و فقه و آثار تفسیری وی صحبت می‌کند (همو: ۲۴۲-۲۴۳). افزون بر این، آل‌زباره علاوه بر فراهم کردن شرایط برای تربیت شاگرد و رونق کلاس درس، در نبود اعیان محلی بیهق ـ که در جنگ قطوان به قتل رسیده بودند (همو: ۱۱۶-۲۲۶) ـ به جذب علویانی از کوفه، طرابلس، قزوین، قم و نیشابور پرداختند که به تصریح علی بن زید بیهقی، غالباً به خدمت آل‌زباره درآمدند (همو: ۶۰-۶۴؛ همو، ۱۴۱۰: ج۲، ۶۷۰-۶۷۶). در گزارش مهمی که بیهقی از شرایط بیهق در زمان مهاجرت عده زیادی از خاندان‌های نیشابوری پس از مهاجرت آل‌زباره بیان می‌کند می‌توان به چند نکته اشاره کرد: اولاً مهاجرت خاندان‌های نیشابوری نشان از نارضایتی آنان از شرایط نیشابور تحت نقابت علویان حسنی دارد. ثانیاً، پیوستن آنان به آل‌زباره می‌تواند بیانگر رضایتشان ازنقابت علویان حسینی در نیشابور باشد. به طور طبیعی، نیشابوریان مهاجر باید مانند آل‌زباره بر مذهب شیعه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

امامیه باشند که پس از آل‌زباره به بیهق مهاجرت کردند. افزایش عددی شیعیان امامی، موجب اقتدار مذهب در این منطقه می‌شده است. آن‌چه جریان فعالیت و تبلیغ شیعیان را در بیهق تسهیل کرد، افزون بر قدرت گیری و نفوذ علویان زباری در اوایل قرن ششم هجری و فعالیت آنان در جذب علمای شیعه و شیعیان ناراضی از سیاست‌های حکومت وقت، می‌توان به ویرانی خسروجرد به عنوان مرکزی برای شافعی‌مذهبان در گیرودار جنگ میان مؤید آی إبه ـ حاکم نیشابور ـ و ایل ارسلان خوارزمشاه (همو، ۱۳۶۱: ۲۸۴) اشاره کرد که تخریب خسروجرد به عنوان مرکزی مهم برای شافعی‌مذهبان، موجب تضعیف جایگاه اهل سنت در ناحیه بیهق شد و از سویی دیگر، به تثبیت مرکزیت سبزوار به عنوان کانون تشیع کمک کرد. شاهد این مدعا، گزارش بیهقی از تقلیل جایگاه‌های نماز جمعه برای اهل‌سنت در بیهق است که در نیمه دوم قرن ششم از ۱۵ موضع به هشت موضع رسید (همو: ۲۳۶).

عبدالجلیل قزوینی در کتابش *النقض* ـ که بی‌گمان یکی از مهم‌ترین منابع در بیان روند رشد تشیع، فعالیت‌های شیعیان، معرفی مراکز شیعی بزرگان و علمای شیعی در اقصی نقاط جهان اسلام است (همو: ۲۰۲، ۴۵۳-۳۵۴) ـ سبزوار را محل شیعه و اسلام می‌داند و از مدارس نیکو و مساجد نورانی و علمای گذشته و حال که صاحب علم و شریعت بودند و همچنین از مجالس درس و مناظره و مجلس ختم قرآن تعریف می‌کند (همو).

رونق حوزه‌های درس و نشاط علمی با حضور علمای صاحب شریعت در سبزوار و آزادی اندیشه و مذهب در سایه نقابت آل‌زباره قابل ملاحظه است؛ زیرا علما و ادبا و شعرا و بزرگان بسیاری از خاندان زباره و غیر آن در بیهق بالیدند و به فعالیت‌های علمی و تبلیغی توجه داشتند (صدر حاج سیدجوادی و دیگران، ۱۳۷۱: ج۳، ۴۶۶، ۵۹۱، ۵۹۶). اگرچه نقبای زباری بیهق به طور مستقیم در برنامه‌های ترویجی و تبلیغی شرکت نداشتند، اما با مدیریت سیاسی و اجتماعی بیهق شرایط منحصر به فردی را برای علما و بزرگان شیعی ایجاد کردند. علاوه بر مرکزیت «مسجد آدینه» (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۶۸) در سبزوار ـ که کانون فعالیت‌های شیعی بوده و مدرسه‌ای شیعی در کوی اسفریس به شمار می‌آمده ـ بیهقی از مسجد دیگری سخن به میان می‌آورد که متعلق به خاندان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

زیاریان بوده است و توسط فرزندان زیاد بن مهدی بن عمرو الزیادی اداره می‌شد (همو: ۱۳۳). شاهد این سند، گزارشی از عبدالجلیل قزوینی است کـه وی تقیـه و پنهان‌کـاری مذهب تشیع را جز در مواردی خاص، بـرای شـیعیان قبـول نـدارد و آنـان را صـاحب کرسی و درس و هزاران منابر و مساجد و مدارس فعال می‌داند کـه بـه طـور آشـکار و بدون هیچ تقیه‌ای به کار مشغول‌اند (همو: ۱۹-۲۰۲). نقبـای زبـاری بیهـق در گسـترش دانش و ادب کوشا بودند و به علم‌دوستی و هنرپروری علاقه داشتند. آنـان بـا حمایـت مالی خود به نویسندگانی مانند شیخ طبرسی و ابوالحسین علی بن زیـد بیهقـی فرصـت دادند که کتب مهمی را تألیف کنند. ابومنصور محمد بن یحیی هبـة الله حسینی زباری ـ نقیب بیهق ـ از ابوعلی طبرسی (۵۸۴م) مؤلف *تـفـسـیـر مـجـمـع الـبـیـان* همه‌گونه حمایتی کرد و شیخ کتاب خود ـ *مـجـمـع الـبـیـان و جـوا هـر الـجُـمـل* ـ را به وی اهدا کرد (همـو: ۲۴۲). یکـی از پژوهشـگران معاصـر، ابـوعلی طبرسی را از فارسی‌نویسان شیعی قرن ششم به شمار آورده و آثار وی را نشانگر شیوع تشیع در قرن ششم هجری می‌داند (جعفریان، ۱۳۸۸: ۵۱۹). ابوالحسن علی بـن محمـد بن یحیی زباری، حامی جدی ابن‌فندق علی بن زیـد بیهقـی (م۵۶۵ق) نویسـنده کتـاب *لـبـاب الانـسـاب و الألـقـاب و الأعقـاب* بود که این کتاب برای حفظ نسب سادات به خواهش نقیب بیهق و با استفاده از کتابخانه و حمایت مالی‌اش نگاشـته شد (بیهقی، ۱۴۱۰: ج۱، ۱۴۹-۱۷۷). بیهق از قرن پنجم تا اواخر قرن ششم که مصـادف با دوران نقابت علویان حسینی بود، دانشمندان شیعی زیادی را به خـود دیـد و عرصـه برای تربیت و پرورش علما، شعرا و ادبایی از خاندان زباری و غیرزباری فراهم شد.

۳-٤. آزادی سیاسی ـ دینی با حضور علمای شیعی زباری در ضمن فعالیت نقبا

نقبای آل‌زباره پس از مهاجرت به بیهق با حفظ روحیه گذشته در روایـت حـدیث و تألیف کتاب، به حمایت همه‌جانبه از علما و دانشمندان در عرصه‌های مختلـف علمـی، دینی، هنری و ادبـی پرداختنـد (ابن‌عنبـه، ۱۳۸۰: ۳۱۸؛ بیهقـی، ۱۴۱۰: ج۲، ۴۹۴-۴۹۵؛ سمعانی، ۱۳۸۲: ج۶، ۲۴۸-۲۴۹). محدثان و بزرگان و علمای صـاحب‌نام بیهـق، اغلـب صاحب تألیف بوده و سرچشمه برکاتی در زمینه اشاعه مبانی اندیشه‌های شیعی به شمار

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

می‌رفتند. یکی از مهم‌ترین منابع آشنایی با علمای شیعی، *تـا ریـخ بـیـهق* است کـه به بررسی احوال آنـان می‌پـردازد (بیهقـی، ۱۳۶۱: ۱۸۶–۱۸۷، ۱۹۶، ۲۴۲). از مهم‌تـرین اعضای خاندان زباره که در تألیف و تـدریس دسـت داشـته‌اند، می‌تـوان بـه فرزنـدان، برادران و برادرزادگان نقبای نیشابور و بیهق اشاره کرد که تقریباً همگی آنان از بزرگـان علم و ادب و هنر بوده‌اند. از مهم‌ترین محدثان آل‌زباره در بیهق، محمـد بـن مظفـر بـن محمد بن احمد زباره (همو: ۲۵۴)، ابومنصور ظفـر (سـمعانی، ۱۳۸۲: ج۶، ۲۴۷–۲۴۸)، ابـوابراهیم جعفـر (خطیـب بغـدای، ۱۴۰۷: ج۷، ۲۳۶) و ابوسـعید زیـد (صـدر حاج‌سیدجوادی و دیگران، ۱۳۷۱: ج۳، ۵۹۳) را می‌توان نام برد که برای روایت حدیث سفرهای متعددی انجام می‌دادند. افزون بـر محـدثان، شـعرای نامـداری چـون عزیـز و عمادالدین یحیی دو فرزند ابومنصور هبـة‌الله نقیب (بیهقـی، ۱۳۶۱: ۵۷–۵۸)، شرفشـاه بن محمد بن حسـین زبـاری (صـدر حاج‌سـیدجوادی و دیگـران، ۱۳۷۱: ج۳، ۴۶۷) و بهاءالدین محمدعلی زباره (بیهقی، ۱۳۶۱: ۵۹) در بیهق حضور داشتند. درکنار محـدثان و شعرای زباری، علمای شیعی غیر از ایـن خانـدان در بیهـق فعالیـت داشـته‌اند کـه از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ابوالطیب محمد فرزند علی کاتب بیهقی (همـو: ۱۷۱–۱۷۲) و ابوالحسن علی معروف به ابن فندق اشاره کرد کـه هـر دو دانشـمند شـیعی و سرمنشـأ تحولات فکری و مذهبی در منطقه بوده‌اند (همو: ۱۷۹–۱۸۰). با بررسی زندگی تعدادی از محدثان زباری و غیر آن‌ها می‌توان گفت استماع و نشر حدیث و کتابت آن، یکـی از راه‌های ترویج اندیشه‌های شیعی بوده است. تداوم نشر و تدریس فقه و حدیث توسـط علمای بیهق، فرصتی بود که بدین وسیله آنان به رونق حوزه علمیه بیهق بیفزاینـد. ایـن موضوع نشانگر فضای باز فکری و آزادی عمـل اندیشـمندان دینـی بـرای نشـر عقایـد مذهبی بوده است.

۳-۵. ایجـاد وحـدت و همبسـتگی میـان علویـان در رویـارویی بـا نیـروی متخاصـم و کـم کـردن نفـوذ شافعی‌مذهبان

از مهم‌ترین پیامدهای حضور علویان حسینی در بیهق، مشـارکت آنـان در اجتمـاع و اثرگذاری در حوادث اجتماعی به‌خصـوص رویـارویی بـا نیـروی متخاصـم داخلـی و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

خارجی بوده است (همو: ۲۳۵-۲۳۶). با کاهش اعمال سخت‌گیرانه بر شیعیان در اواخر عهد سلاجقه، بستر مناسبی برای مشارکت اجتماعی شیعیان به‌ویژه در دستگاه سلاطین ایرانی فراهم شد. انعکاس رشد تدریجی قدرت شیعه در نیشابور و بیهق را از تصمیم سلطان سنجر سلجوقی نسبت به روی کار آمدن دوباره خاندان زباره بر منصب نقابت در بیهق می‌توان ملاحظه کرد. اما پیامد قدرت‌گیری شیعیان، به نزاع‌های خون‌بار فرقه‌ای در نیشابور میان شافعیان و علویان و به تبع آن میان فرقه‌های مختلف در بیهق انجامید (جزری، ۱۳۷۱: ج۲۷، ۳۰). به گفته بیهقی، علاوه بر هجمهٔ دشمنان داخلی و خارجی، درگیری‌های فرقه‌ای در بیهق برقرار بوده است (بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۶۹-۲۸۴). سیاست‌گذاری‌های سلجوقیان به‌ویژه خواجه نظام‌الملک طوسی در رواج مذهب شافعی و ساخت مدرسه‌ای برای آنان، باعث شروع نزاع‌های محلی در بیهق شد و شهر را با تغییرات جدیدی روبه‌رو کرد (همو: ۲۳۵-۲۳۶). سلطان سنجر برای فرونشاندن نزاع‌های محلی (همو: ۲۶۸) تصمیم گرفت علویان حسینی را دوباره بر منصب نقابت بنشاند. انتصاب جلال‌الدین محمد علوی، بزرگ علویان زباری بیهق به منصب مستوفی‌گری در بیهق، اولین گام سنجر برای آرام کردن اوضاع بیهق بود. روی کار آمدن مجدد خاندان زباره با دو نقل در *تا ریخ بیهق* ذکر شده است. بیهقی می‌گوید:

> سنجر در هنگام جنگ باترکان قراختایی، بیهق را با حمله عمال آتسز خوارزمشاه برای مدتی از دست داد و نام وی از خطبه و سکه برداشته شد. وی برای بازپس‌گیری شهر که موجب آشفتگی اوضاع شده بود، با راهنمایی عمالش تصمیم گرفت که نقابت را مجدداً به آل‌زباره برگرداند و به گونه‌ای آنان را سپری در برابر خوارزمشاهیان قرار دهد. (همو: ۲۷۲)

در نقل دیگری آمده است که جلال‌الدین محمد، اولین نقیب مستقل بیهق از خاندان زباره در پی نزاعی با عزالدین نعیم در سال ۵۳۵ هجری مورد حمایت مشایخ و سادات بیهق قرار گرفت و با پافشاری آنان، نقابت ایالت بیهق به وی محول شد (همو: ۲۷۶). محبوبیت و اعتبار در هر دو نقل شاخص مهمی است.

جلال‌الدین محمد زباری و یارانش با پایان دادن به کارشکنی‌های خوارزمشاه ینالتکین ـ که به غارت و کشتار مردم در بیهق دست زده بود (همو: ۲۷۲) ـ توانست

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

نیروی بازدارنده‌ای در مقابل استقلال‌طلبی خوارزمشاهیان باشد. مهم‌ترین دستاورد تصمیم سیاست‌مدارانهٔ سنجر برای علویان بیهق، استقلال آنان از نقبای حسنی نیشابور بود. سامان‌دهی به امور اجتماعی و ایجاد وحدت و همبستگی در جامعه بیهق از راه‌های مؤثری بود که نقبای زباری برای ایجاد آرامش و ثبات در فضای فکری و مذهبی جامعه به کار می‌گرفتند و در مقابل، آنان مرجعی اطمینان‌بخش برای مردم منطقه در مقابل حملات نیروی بیگانه به شمار می‌آمدند. به گفته ابن‌خلدون، در سال ۵۵۴ هجری که غزان به شهرهای خراسان، از جمله سبزوار حمله کردند و با محاصره شهر درصدد تصرف آن‌جا برآمدند، مردم سبزوار با رهبری بی‌دریغ نقیب بیهق ـ عمادالدین علی بن محمد بن یحیی زباری ـ به مقاومت پرداخته و شهر به تصرف غزان درنیامد (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ج۴، ۱۳۳). این حادثه درست در زمانی رخ داد که سنجر قصد انتقال مجدد نقابت نیشابور را به علویان حسینی داشت، اما با اسارتش این کار ناتمام ماند (بیهقی، ۱۴۱۰: ج۲، ۵۲۵-۲۵۶). در قضیه دیگری در سال ۴۸۶ هجری، پس از مرگ ملکشاه، زمانی که عیاران بر سبزوار مسلط شدند و قدرت را به دست گرفتند، با تدبیر نقیب ابوالقاسم بن ابویعلی زید، حمله آنان خنثی شد. ابوالقاسم نقیب پنج ماه پس از آن ماجرا با یاران و چاکران پیاده و سوار خود با مراقبت شبانه‌روزی از شهر، مقید شد که هیچ متغلب و ناپاکی بر مال و خانه مسلمانان دست‌درازی نکند (همو، ۱۳۶۱: ۲۶۸ – ۲۶۹). جریان درگیری‌های خارجی و داخلی به‌خصوص فعالیت شافعیان (همو: ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۶۸)، علویان حسینی را از اهداف تبلیغشان دور نکرد و همچنان به جذب علویان ناراضی همت گماشتند (همو: ۶۴). ویرانی خسروجرد در گیرودار جنگ میان مؤیدآی‌ابه و ایل ارسلان خوارزمشاه (همو: ۲۸۴)، جریان فعالیت تبلیغی شیعیان امامی را در بیهق تسهیل کرد؛ زیرا تخریب خسروجرد مرکز مهم شافعی‌مذهبان در منطقه موجب تضعیف جایگاه اهل‌سنت شد (همو: ۲۸۶). سکوت منابع درباره نقابت آل‌زباره در دوره خوارزمشاهیان ادامه کار را در پی‌گیری فعالیت‌های ترویجی آنان در تعمیق فرهنگ شیعه در بیهق با مشکل روبه‌رو می‌سازد. البته می‌توان گفت سیاست‌های مذهبی مصلحت‌جویانه سلاطینی چون محمد خوارزمشاه (جوینی، ۱۳۸۵: ج۲، ۴۴۶) سبب شد سادات و شیعیان در جامعه دینی مطرح باشند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

در تحلیل کلی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی شیعیان در بیهق و همراهی آنان با فعالیت‌های نقبای زباری باید گفت تحقق ایدئولوژی جمعی یک تفکر یا مذهب با «آگاهی جمعی» حاصل می‌شود. باورهای دینی و ترویج آن یکی از شاخصه‌های آگاهی جمعی است. آگاهی جمعی یکی از دستاوردهای عمل جمعی است که سبب می‌شود افراد جامعه در عمل جمعی شرکت کنند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۶۸۱ – ۶۸۲). به نظر می‌رسد نقبای زباری در بیهق، افزون بر ایفای نقش اجتماعی خود به عنوان نقیب و نظارت بر امور مادی و معنوی علویان، با ترویج باورهای دینی و گسترش آن به افزایش آگاهی جمعی و تحقق آرمان جمعی مذهب شیعه امامیه کمک کردند. باورهای مذهبی مشترک یا اهداف مشترک از عواملی بود که نقبای زباری در مشارکت سیاسی و مذهبی و اجتماعی خود از آن بهره بردند که با آگاهی جمعی به اهداف متعالی خویش در راستای تعمیق تشیع امامی برسند.

نتیجه‌گیری

گرایش‌های شیعی به‌ویژه امامیه از قرن اول در نواحی خراسان وجود داشت و این ناحیه جمعیت زیادی از شیعیان را به خود دیده است. این امر را می‌توان در فعالیت‌های گسترده علمی شیعیان خراسانی و ارتباط آنان با ائمه:، وکلا و شاگردان ائمه به خوبی دید. از میان شهرهای خراسان، «نیشابور» به دلیل وجود شاخصه‌های مهمی چون حضور اصحاب ائمه، مؤلفان برجسته شیعی، خاندان شیعی مانند فضل بن شاذان و حضور وکلای ائمه: جمعیت زیادی را در خود جای داد.

ولایت بیهق ـ که بزرگ‌ترین شهر آن «سبزوار» بود ـ نیز جمعیت شیعی درخور توجهی داشت. رواج تشیع امامیه در نیشابور و پس از آن در بیهق، حاصل عوامل متعددی است. بر اساس پژوهش حاضر، مهاجرت سادات علوی بنی‌زباره از طبرستان به نیشابور و بیهق و تغییر مذهبشان از شیعه زیدیه به امامیه در میان نقبای خاندان در این تحول نقشی محوری داشته است؛ زیرا نقبای زباری پس از مهاجرت به بیهق، افزون بر مشارکت سیاسی و اجتماعی، جریان فعالیت و تبلیغ اندیشه‌های شیعی امامیه را تسهیل کردند. خاندان زباره به دلایل متعددی بیهق را برای مهاجرت انتخاب کردند که

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

می‌توان این موارد اشاره کرد: انتقال نقابت از علویان حسینی به علویان حسنی توسط امیرنوح سامانی و کم شدن نفوذ و قدرت خاندان، قدرت‌گیری رهبران دینی اهل‌تسنن در نیشابور، حمایت بی‌شائبه مردم بیهق از علویان حسینی در جریان درگیری با علویان حسنی، حضور پیروان شیعه در بیهق و آمادگی پشتیبانی از آل‌زباره، شرایط مساعد اجتماعی و اقتصادی بیهق، نفوذ و قدرت علویان زباری در جامعه شیعی بیهق و ... . نیشابور با حضور علویان حسنی نمی‌توانست محلی امن برای فعالیت‌های تبلیغی نقبای زباری باشد. مهم‌ترین پیامد مهاجرت خاندان زباره برای بیهق، رواج و گسترش اندیشه‌های شیعی امامیه در منطقه به‌خصوص سبزوار (کرسی وقت بیهق) به عنوان مرکز تشیع در قرن ششم هجری بوده است. رهبری نقبای خاندان به همراه علما و بزرگان زباری در گسترش اندیشه‌های شیعی در بیهق انکارناپذیر است؛ زیرا حضور ایشان به افزایش عددی شیعیان در منطقه منجر شد.

دعوت از علمای شیعی و جذب علویان ناراضی از اقصی نقاط جهان اسلام دو فاکتور مهم در عملکرد خاندان زباره بوده است. بر اساس پژوهش حاضر، شاخص‌های مهم خاندان در تعمیق اندیشه‌های شیعی امامیه در بیهق در این موارد خلاصه می‌شود: برپایی کلاس درس و مناظره علمی و مذهبی، استماع حدیث و روایت آن، فراگیری علوم اسلامی، مقابله سیاسی باانگیزه مذهبی، تألیف کتاب و حمایت از نویسندگان شیعی، زمینه‌سازی برای جذب علمای شیعی امامیه و دعوت از آن‌ها و دایر کردن مدارس مخصوص شیعیان، آزادی اندیشه برای علما و ادبا و شعرا در زمان نقابت، جذب علویان ناراضی از اقصی نقاط جهان اسلام، گسترش باورهای مذهبی و دینی برای گسترش آگاهی جمعی در رویارویی با دشمنان داخلی و خارجی، مدیریت سیاسی و اجتماعی در درگیری‌های فرقه‌ای و ... .

نقبای خاندان زباره به طور مستقیم در اجرای برنامه‌های تبلیغی مشارکت داشتند یا به طور غیرمستقیم زمینه را برای تحقق این ارزش‌ها فراهم کردند. با گسترش تشیع امامی در بیهق، شیعیان توانستند با آزادی عمل بیشتری نسبت به گذشته در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت کنند و در تحقق اهداف دینی و مذهبی خود بکوشند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

منابع

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳ش)، *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه: عبدالمجید آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن‌طباطبا، ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر (۱۳۷۲ش)، *مهاجران آل ابوطالب*، ترجمه: محمدرضا عطایی، مشهد، آستان قدس رضوی و بنیاد ارزش‌های اسلامی.
- ابن‌عنبه، جمال‌الدین احمد بن علی (۱۳۸۰ش) *عمدة الطالب فی انساب آل ابی‌طالب*، تصحیح: محمدحسن آل طالقانی، نجف، حیدریه.
- اتابک جوینی، علی بن احمد (۱۳۸۴ش)، *عتبة الکتبه*، تصحیح: محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی، تهران، اساطیر.
- بیهقی، علی بن زید (۱۳۶۱ش)، *تاریخ بیهقی*، تهران، کتاب‌فروشی فروغی، چاپ سوم.
- بیهقی، علی بن زید (۱۴۱۰ق)، *لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب*، به کوشش: م. الرجائی، قم، مکتبة آیة العظمی النجفی المرعشی.
- جزری، ابن‌اثیر عزالدین علی (۱۳۷۱ش)، *الکامل*، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸ش)، *تاریخ تشیع در ایران*، تهران، نشر علم، چاپ سوم.
- جوینی، عطاملک (۱۳۸۵ش)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، به اهتمام: شاهرخ موسویان، تصحیح: محمد قزوینی، تهران، دستان.
- حافظ ابرو (۱۳۷۰ش)، *جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو*، تصحیح: غلامرضا ورهرام، تهران، انتشارات اطلاعات.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله (۱۳۷۵ش)، *تاریخ نیشابور*، ترجمه: محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، به اهتمام: م. شفیعی کد کنی، تهران، آگاه.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

ـ خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
ـ دانشیار، مرتضی (۱۳۹۰ش)، «رقابت‌های محلی در بیهق و ریشه‌های سیاسی»، مجله *تاریخ و تمدن اسلامی*، شماره ۱۳، تهران، واحد علوم و تحقیقات.
ـ زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۷ش)، *تاریخ مردم ایران*، تهران، امیرکبیر.
ـ سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۳۸۲ش)، *الانساب*، تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، حیدرآباد، مجلس دایرة المعارف العثمانیه.
ـ صد حاج سیدجوادی، احمد و دیگران (۱۳۷۱ش)، *دایرة المعارف تشیع*، تهران، مؤسسه دایرة المعارف تشیع، با همکاری شرکت نشرآوران.
ـ صیرفینی، تقی‌الدین ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المنتخب من السیاق لتاریخ نیشابور*، بیروت، دارالفکر.
ـ طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الرسل و الملوك*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، چاپ دوم.
ـ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، تحقیق: جواد القیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاهه.
ـ طوسی، خواجه نظام‌الملک (۱۳۷۸ش)، *سیر الملوك (سیاستنامه)*، تصحیح: هیربرت دارک، تهران، علمی و فرهنگی.
ـ قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۸۵ش)، *النقض؛ بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، به کوشش: جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار علمی.
ـ قلقشندی، ابوالعباس احمد بن حسین (۱۹۱۹م)، *صبح الاعشی*، تحقیق: گروه محققان، قاهره، المؤسسة المصریة العامة للکتب.
ـ کاظم‌بیگی، محمدعلی (۱۳۸۹ش)، «سامانیان و نقبای حسینی نیشابور»، مجله *تاریخ و فرهنگ*، سال چهل و دوم، شماره ۸۴.
ـ گردیزی، عبدالحی بن ضحاک (۱۳۶۳ش)، *زین الاخبار*، تحقیق: عبدالحی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]

حبیبی، تهران، دنیای کتاب.
ـ گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱ش)، *نظریه های جامعه شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
ـ مقدسی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد (۱۳۶۱ش)، *احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم*، ترجمه: علی‌نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
ـ نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق)، *رجال النجاشی*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوز علمیه قم.
ـ نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۶۳ش)، *تاریخ بخارا*، چاپ دوم، تهران، توس.
ـ یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، چاپ دوم.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1394.1.19.3.3]